

کتابی که فراموش می‌شود

و

قصه‌هایی که به یاد می‌مانند

«نگاهی به مجموعه‌ی دو جلدی «قصه‌های زندگی پیامبر (ص)»

بهار علیزاده



نام کتاب: قصه‌های زندگی پیامبر (ص)
 نویسنده: عبدالتواب یوسف
 برگردان: سیدهادی خسروشاهی
 تصویرگر: فریدالدین ملایی
 ناشر: موسسه بوستان کتاب
 نوبت چاپ: نخست ۱۳۸۸
 شمارگان: ۳ هزار جلد
 تعداد صفحات: ۷۱ صفحه
 قیمت: ۳۹۰۰ تومان



مجموعه‌ی دو جلدی «قصه‌های زندگی پیامبر صلی‌الله علیه و آله و سلم» نوشته‌ی عبدالتواب یوسف، نویسنده‌ی مصری با ترجمه‌ی سیدهادی خسروشاهی است که توسط فریدالدین ملایی تصویرگری شده و دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه‌ی قم با همکاری مؤسسه‌ی «بوستان کتاب»، آن را به چاپ رسانده است.

این کتاب شامل ۲۰ داستان از زندگی پیامبر اسلام، حضرت محمد صلوات‌الله علیه است که برای گروه سنی «د» و «ه» (راهنمایی و دبیرستان)، آموزه‌هایی از زندگی و سیره‌ی این اسوه و الگوی بشریت را بازگو می‌کند.

مترجم در مقدمه‌ی این مجموعه‌ی دو جلدی، علاوه بر چند سطری که خود درباره‌ی نحوه‌ی مواجهه با این کتاب و ترجمه‌ی آن نگاشته است، مقدمه‌ای را که عبدالعزیز کامل، استاد دانشگاه الازهر و وزیر امور مذهبی و اوقاف مصر بر نسخه‌ی اصلی آن نوشته است نیز، درج کرده است.

این کتاب که نام اصلی آن «حیة محمد(ص) فی عشرين قصة» است، در سال ۱۹۹۹ م. جایزه‌ی بهترین کتاب کودک و نوجوان را از سازمان فرهنگی مصر در قاهره و در سال ۲۰۰۰، جایزه‌ی «افق‌های نوین» را در نمایشگاه بین‌المللی کتاب کودک بولونیا در ایتالیا دریافت کرده است.

نویسنده‌ی کتاب، عبدالنواب یوسف، قصه‌های این کتاب را هم‌چون «کلیله و دمنه» و برخی از آثار «هانس کریستین آندرسن»، از زبان حیوانات، گیاهان، اشیاء و دیگر عناصر طبیعت نگاشته و مترجم نیز متن آن‌ها را با بیانی رسمی به فارسی برگردانده است.

نخستین بار دوازده قصه از این کتاب، در سال ۱۳۵۲ شمسی توسط خسروشاهی از روی آخرین نسخه‌ی چاپ شده‌ی آن که در نشر «دارالشروق» در قاهره به چاپ رسیده، ترجمه شده است. تصویرگری این نسخه را نیز «صلاح بیصار»، نقاش مصری بر عهده داشته است. ترجمه‌ی این دوازده قصه، در همان سال در ماهنامه‌ی «پیام شادی» ویژه‌ی کودکان در قم منتشر شده است.

خسروشاهی پس از ۲۵ سال، هم‌زمان با سال پیامبر اعظم(ص) به ترجمه‌ی هشت قصه‌ی دیگر کتاب و بازنویسی دوازده قصه‌ی قبلی دست زده و آن‌ها را پس از تطبیق با مسایل قرآنی و تاریخی و منابع تاریخی و تفسیری شیعه، در قالب این مجموعه‌ی دوجلدی منتشر کرده است. کتاب در سال ۸۸ انتشار یافته است؛ ولی مقدماتی که در آن درج شده، مربوط به سال‌های ۸۶ و ۸۷ است.

در میان ۲۰ قصه‌ای که در این مجموعه گنجانده شده، عناوینی چون «سنگ سیاه مقدس»، «شب قدر»، «سفر



شگفت‌انگیز»، «بدر»، «اُحد»، «توطئه» و «لانه‌ی کبوتر» به چشم می‌خورد که به ترتیب داستان حجرالاسود و اختلاف قبایل بر سر گذاشتن آن بر دیوار کعبه، نازل شدن یک‌باره‌ی قرآن بر رسول خدا(ص)، معراج رسول اکرم(ص)، غزوه‌ی بدر، غزوه‌ی اُحد، توطئه‌ی سران قبایل عرب برای کشتن حضرت محمد(ص) در ابتدای بعثت، داستان کبوتری که بر لانه‌اش بر در غاری نشست که پیامبر در هجرتش از مکه به مدینه در آن مخفی بود و هم‌چنین بسیاری داستان‌های دیگر است.

این قصه‌ها در واقع بازگویی داستان‌های معروف صدر اسلام است و در آن‌ها نکات بسیار ظریف و قابل توجهی از سیره‌ی پیامبر(ص) و روش برخورد وی با مسایل، برای انتقال به نوجوانان وجود دارد. بسیاری از این قصه‌ها، قصص قرآنی هستند و از این رو هر کدام از آن‌ها با آیه‌ای از قرآن که مربوط به آن قصه است، پایان می‌یابد؛ با این حال با توجه به زبانی که برای متن قصه‌ها در ترجمه‌ی آن‌ها به فارسی انتخاب شده است و هم‌چنین کلی‌گویی در قصه‌ها و عدم پرداخت نویسنده به جزئیات داستان و شخصیت‌های آن، به نظر می‌آید مخاطبان اصلی این مجموعه، گروه سنی «د» در مقطع راهنمایی و یا پیش‌تر از آن باشند و به لحاظ زبانی و حتی محتوایی، کم‌تر می‌توان آن را پاسخ‌گوی نیاز نوجوانان در مقطع دبیرستان دانست.

برای مثال در بخشی از داستان «گوسفند» در جلد دوم این مجموعه، از زبان گوسفندی آمده است: «زن یهودی آتش روشن کرد، سپس قصاب سر رسید. پس از اندکی بوی کباب از گوشت من بلند شد و به یک‌باره چیزی را درون بدنم فرو کردند. درد شدیدی داشت. تازه متوجه شدم که چه اتفاقی افتاده است. آن‌چه در بدنم تزریق شد، سم بود

و گوشت من مسموم شده بود.» و در جایی دیگر آمده است: «زن یهودی مرا برداشت و نزد پیامبر و یارانش رفت تا گوشت مرا به آن‌ها تقدیم کند... رخداد جالبی بود، وقتی دیدم پیامبر دست از خوردن من کشید. گویا صدای مرا می‌شنید. به هیچ‌وجه توقع نداشتم، پیامبر صدای گوسفندی که ذبح گشته و کباب شده را بشنود!»

تصویرگری یا تصویرسازی

تصویرگری این کتاب که فریدالدین مولایی آن‌را بر عهده داشته است، به صورت سهرنگ با تکنیک خطی فانتزی صورت گرفته است. این تصاویر که دفرماسیون در آن‌ها تا حدی است که گاه تشخیص «شتر» از «قاطر» مشکل می‌نماید، با ترکیب سیاه و سفید با فیروزه‌ای کدر در جلد اول و با سبز زیتونی در جلد دوم، به خوبی در صفحه و کادر نامناسبی که برای آن انتخاب شده است، خودنمایی می‌کنند.

با وجود خطی بودن این تصاویر که به جذابیت آن‌ها برای مخاطب یاری می‌کند، دوایر سیاه اغراق‌شده و مؤکدی که

به جای چشم انسان‌ها و حیوانات و همچنین گاه در طراحی (تایپوگرافی) عنوان قصه‌ها به جای نقطه و حروفی چون «م»، «ه»، «ص» و هر حرفی که فرم دایره‌ای توخالی دارد، استفاده شده است؛ کاراکترها را شبیه به شخصیت داستان‌های ترسناک و مجموعه‌های بدون پوستی می‌کند که گودی کاسه‌ی چشمان‌شان، نشان اصلی آن‌ها است؛ شبیه کاراکترهایی که برای تصویرسازی و انیمیشن در «ژانر وحشت» طراحی می‌شوند. گهگاه نیز گویی شخصیت‌های داستان‌های زندگی پیامبر(ص)، عینک به چشم زده‌اند. این سیاهی اغراق شده در چشم‌ها، شخصیت‌پردازی را تا حد زیادی دچار نقص کرده و دست‌بندی مثبت و منفی را در آن با مشکل مواجه می‌کند؛ زیرا نمی‌توان با نگاه به تصاویر، شخصیت مثبت قصه را از شخصیت منفی متمایز کرد؛ مگر تنها در تصویر پیامبر (ص) که با توجه به بحث بر سر درستی یا نادرستی به‌تصویر کشیدن چهره‌ی معصومین، در آن با خطوط و سطوحی ساده مواجه‌ایم.

محدودیت رنگی در تصویرگری این کتاب، با آن‌که تاحدی به فضا‌سازی مکان وقوع قصه‌ها کمک می‌کند؛ اما امکان کاربرد سمبلیک رنگ‌ها را در داستان‌هایی که خود به‌شدت سمبلیک هستند و همچنین امکان انتقال فضای حسی داستان به مخاطب را از بین برده است.

ضمن آن‌که انتخاب رنگ سبز تیره در پس‌زمینه‌ی تعدادی از تصاویر، فضا را از بیابان عرب دور کرده و این سؤال را مطرح می‌کند که قصد تصویرگر یا بهتر است بگوییم تصویرساز، از انتخاب رنگ‌ها در این تصاویر چیست؟

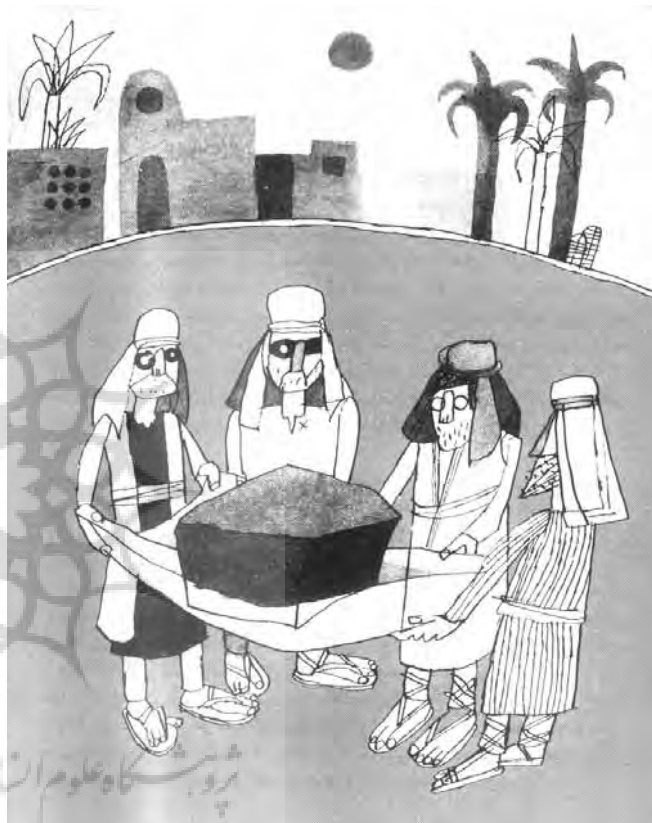
هرچند انتخاب جنس کاغذ و حضور رنگ شیری آن در زمینه‌ی تصاویر به‌جای سفید، تا اندازه‌ای توانسته است جای خالی خاک را پر کند؛ اما ترکیب خاکستری‌های کروماتیک با آن، یادآور تصاویر کتاب‌های درسی، پیش از تغییرات اخیر است؛ تصاویری که انتخاب رنگ‌های بی‌حال و چرک در آن‌ها بی‌شباهت به تصاویر کتاب حاضر نیست.

در هر حال نکته‌ی قابل توجه، نه تنها در تصویرگری این کتاب، که در هر طرحی که هدف مفروض آن، به‌تصویرکشیدن متن باشد؛ تفاوتی است که میان «تصویرگری» به معنای مصور کردن آن‌چه نویسنده قصد داشته یا توانسته در متن منتقل کند، و «تصویرسازی» به معنای مزین کردن متن به تصویر وجود دارد؛ خواه این تصویر برداشتی شخصی از متن و خواه کاملاً دکوراتیو باشد.

در صورت قابل بودن این تفاوت در هدف از طراحی، می‌توان از «تصویرگر» و نه «تصویرساز»، انتظار داشت که در مجموعه طرح‌هایش، فضایی مانوس و مرتبط با متن (مرتبط با آن‌چه نویسنده می‌خواهد و یا فارغ از آن) ایجاد کند و نیز در شخصیت‌پردازی کاراکترهایی که از اهمیت بیشتری برخوردار اند، تا حد زیادی به آن‌چه نویسنده در متن به آن پرداخته

است، وفادار باشد. این‌جاست که مخاطب با رجوع به تصاویر این کتاب برای دریافت و تشخیص جزئیات داستان، دست خالی بازگشته و تصاویر را تنها اشاره‌ای جزئی به کلیتی می‌بیند که در داستان واقع است.

ضمن این‌که هر داستان تنها از دو تصویر برخوردار است که یکی تصویری کاملاً تزئینی است که تحت عنوان تیتیر تصویری قصه عمل می‌کند و دیگری یگانه تصویری است که از تمام داستان در اختیار مخاطب قرار گرفته و مجموع تصاویر را به معنای «تصویرسازی» نزدیک‌تر می‌کند.



دو جلد فراموش شدنی

در مجموع، این دو کتاب که می‌بایست بسیار تأثیرگذارتر و جذاب‌تر از هر کتاب دیگری برای نوجوانان، طراحی و ترکیب‌بندی می‌شد، برخلاف آن‌چه در مقدمه مؤکد است، آن‌چنان برخوردار از نقاط قوت و نکات مثبتی نیست که بتواند در ذهن جستجوگر و خلاق نوجوانی که در هزاره‌ی سوم زیست می‌کند، پایدار و تأثیرگذار باشد. آن‌چه این مجموعه را حائز اهمیت و گاه متمایز می‌کند، نام مبارک حضرت محمد(ص) و قصه‌های زندگی آن حضرت است که طی سالیان دراز، کتاب به کتاب و سینه به سینه برای امروز به ارث مانده است و در هر کاغذ و از هر زبان و با هر تصویر که بازگو شود، ماندگار خواهد بود.